تلفن گروه حوادث: ۸۷۶۱۶۲۱

سه مأمور پلیس هدف گلوله‌های مرگبار اشرار قرار گرفتند

سه مأمور نیروی انتظامی شهرستانهای جیرفت، گلباف و عنبرآباد طی درگیری با اشرار مسلح به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. به گزارش ایسنا مأموران انتظامی شهرستان جیرفت روز پنجشنبه حین گشتزنی در سطح شهر به یک موتوسیکلت که دارای دو راکب بود، مشکوک شدند و به موتورسوار دستور ایست دادند، ولی آنها بدون توجه به این فرمان متواری شدند. اما پس از درگیری با مأموران استوار دوم «حمید کریمی» را بر اثر اصابت گلوله به شهادت رساندند. در شهر گلباف نیز گروهبان «مهدی حسینی» به همراه استوار یکم وظیفه «حسام نجفی نواده» جهت انجام مأموریتی از پاسگاه انتظامی و عملیاتی «حرمک» خارج شد که گروهبان «مهدی حسینی» با اصابت گلوله اشرار به درجه رفیع شهادت نائل آمد. همچنین یکی از مأموران شهرستان عنبرآباد به نام «محسن ذوالعی» نیز روز پنجشنبه در درگیری با دو شرور مسلح به شهادت رسید.

دادستان کرج در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» عنوان کرد:

فعلاً حادثه مترو قتل عمد است

گروه حوادث: تا زمان اعلام نظر کارشناسان پرونده حادثه تیراندازی در ایستگاه متروی کرج قتل عمد محسوب می شود.

«شفیعی خورشیدی» دادستان کرج بابیان این مطلب به خبرنگار ما گفت: درباره ماجرای تیراندازی یکی از مسؤولان پلیس و کشته شدن پسر جوانی به نام «علی» بلافاصله پس از وقوع حادثه ما در جریان قرار گرفتیم و «هاشم ورزی» معاون دادستان به همراه یکی از بازپرس های کشیک دادسرای کرج مأموریت یافتند تا تحقیق از متهم پرونده را آغاز کنند. وی افزود: این دو از لحظه انتقال متهم تا ساعت ۲۳ نیمه شب تحقیقات و بازجویی های فنی را از او انجام دادند و نتیجه بازجویی های خود را به سرعت به من اطلاع دادند. این مقام قضایی با اشاره به اینکه هم اکنون پرونده این حادثه با صدور قرار عدم صلاحیت به همراه متهم به دادسرای ویژه روحانیت ارسال شده است گفت: من به عنوان مدعی العموم خود را مسؤول حفظ حقوق شهروندان می دانم و مجرم در هر مقامی برای من تفاوتی نمی کند مگر آنکه بی گناهی او ثابت شود. به گزارش خبرنگار ما، پرونده این ماجرا در ۲۷ برگ تهیه و تنظیم شده و قبل از ارسال به دادسرای ویژه روحانیت برای اظهار نظر و بررسی نهایی توسط مأموران اداره آگاهی کرج به دفتر دادستانی آورده شده بود. لحظاتی بعد از انتقال پرونده مادر قربانی حادثه در حالی که بسیار مضطرب و متأثر نشان می داد به همراه یکی از بستگانش به دفتر دادستان آمده و با ارائه شکایتی خواستار احقاق حق خود شده و گفت: شما به ما خدا نگفارید خون پسرم پایمال شود، چرا در حالی که متهم فردی نظامی است پرونده اش به دادسرای روحانیت فرستاده می شود، «حادثه تیراندازی در ایستگاه متروی کرج ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه عصر روز چهارشنبه گذشته رخ داد و در جریان آن یک مقام مسؤول پلیس در حالیکه لباس شخصی بر تن داشت به دنبال جر و بحث با پسر ۲۰ ساله‌ای اسلحه اش را پشت گردن او گذاشته و با شلیک گلوله ای به زندگی او خاتمه داد.

دزدان خیابانی تحت امر پسر ۱۷ ساله

گروه حوادث: یک پسر ۱۷ ساله، سرکرده گروه سرقتهای مسلحانه خیابانی در تهران بود. این پسر که ظاهری آرام و بچگانه دارد، در حالی چهار جوان مسلح و یک زن تنها را تحت هدایت خود قرار داده بود که خانواده اش تصور نمی کردند وقتی پسرشان در خانه نیست، به سرقتهای مسلحانه دست می زند.

بنا به این گزارش، روز ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس گزارشی دریافت کردند که نشان می داد سه سرنشین خودروی پراید سیاهرنگی در کمتر از دو ساعت به سرقت مسلحانه از دو مسافر پرداخته اند. در این تجسسها روشن شد که یکی از مسافران این سه شکارچی مسلح توانسته در درگیری با آنان خود را رها کند و سارقان از مسافر دیگر خود ۵۰ هزار تومان به جیب زده اند. بدین ترتیب، طرح مهار در دستور کار گشتهای کلانتری قرار گرفت تا اینکه در خیابان فرجام به این سارقان دستور توقف دادند و با فرار آنان مواجه شدند. خودروی پراید وقتی تحت تعقیب قرار گرفت، با سرعت بسیاری در خیابانها ویراژ داد تا اینکه گلوله پلیس به یکی از لاستیکهای پراید اصابت کرد و سرنشینان آن پس از برخورد با جدول خیابان از آن پیاده شدند و در تاریکی شب به سه جهت مخالف گریختند. مأموران در اجرای طرح مهار توانستند دو پسر جوان را بازداشت کنند وپی بردند یکی از آنان ۱۷ ساله و مسلح به کلت است. هر دو سارق مسلح در بازجویی ها ادعا کردند دوست فراری شان معروف به «امیر یزید» طراح اصلی سرقتها بوده است. در تحقیقات کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی مشخص شد خودروی پراید سیاهرنگ متعلق به راننده مسافرکشی است که ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد سه شرور آن را در میدان شوش دربست گرفته بودند تا به ورامین بروند و در میانه راه با تهدید اسلحه، به سرقت آن دست زده اند. وقتی پسر ۱۷ ساله پذیرفت در هفت سرقت مسلحانه خیابانی دست داشته است و در مدت ۱۰ روز و همیشه بعد از نیمه شب به شکار می رفتند، پلیس دریافت «امیر یزید» به خانه زنی تنها رفت و آمد دارد و همیشه در خانه وی واقع در تهرانپارس پنهان می شود. خانه این زن تحت نظر قرار گرفت و همزمان با آن، کارآگاهان فاش ساختند مدتی پیش در نزدیکی خانه زن تنها، سارقان مسلح به خانه مردی حمله برده و به سرقت دست زده اند. با این فرضیه که قوی به نظر می رسید و آن زن تنها را همدست سارقان مسلح نشان می داد، کارآگاهان پرستو، را بازداشت کردند و تحت بازجویی قرار دادند. «پرستو» در این تحقیقات فاش ساخت که با «امیر یزید» رابطه دوستی دارد و اطلاعات خانه همجوار را وی در اختیار «امیر یزید» و دوست دیگرش به نام «رحیم» قرار داده است و می داند در شب سرقت به جز این دو پسر، جوان ۱۷ ساله‌ای به نام «مصطفی» نیز با آنان بود و پس از برداشتن اموال با ارزش، پول و جواهرات، برای فرار خودروی پیکان مرد همسایه را دزدیدند. زن تنها که سرنخ پلیس در دیابی دیگر اعضای این شبکه سرقت بود، تحت بازجویی قرار گرفت و در نتیجه مأموران مخفیگاه «امیر یزید» را در سرچشمه به دست آوردند و توانستند وی را بازداشت کنند. با اعترافات سه جوان سارق، دوتن از دیگر همدستان آنان نیز بازداشت شدند و کارآگاهان دریافتند بر خلاف تصورات، جوان ۱۷ ساله‌ای که روز نخست به دام افتاده بود و همه تقصیرها را به گردن «امیر یزید» انداخته بود، به تنهایی سرکرده باند سارقان مسلح است و این شبکه در مدت زمان بسیار کمی به ۹ سرقت مسلحانه دست زده و طی آن یک خانه، یک دستگاه خودرو و هفت مسافر را مورد دستبرد قرار داده اند.

یادداشت

شلیک کور

علیرضا جعفری

گلوله ای شلیک شد. جوان ۲۰ ساله ای جان باخت. صدای شلیک این گلوله تنها در ایستگاه متروی کرج طنین انداز نشد، بلکه بلافاصله در سراسر کشور صدای شلیک و مرگ به گوش رسید. گلوله از اسلحه یک مقام مسؤول در پلیس شلیک شد. شاهدان می گویند تنها دلیلی که ضارب داشت، متلک گفتن به دو دختر از سوی قربانی بود!

و اما تأملی به این حادثه...

۱- آیا داشتن مجوز اسلحه از سوی این مسؤول پلیس، او را مجاز به استفاده از آن در هر شرایطی می کند؟

۲- استفاده از اسلحه برای پلیس تعریف شده است. آیا در دعوای چند جوان - ادعای پلیس کرج - و یا متلک گفتن - ادعای نخست متهم - استفاده از اسلحه مجاز است؟

۳- تماسهای شاهدان حادثه پس از چاپ گزارش نشان دهنده فاصله و مغایرت آشکار بین این اظهارات و اظهارات پلیس کرج است.

۴- آیا در مواقعی که متهم یک پرونده قتل، یک مقام مسؤول در پلیس است، نمی طلبد که اکیپ ویژه قضایی پرونده را تشکیل و تحقیقات را انجام دهد؟

۵- اطلاعاتی از سوی شاهدان و مطلعین در اختیار خبرنگاران قرار گرفته است و ما فعلاً به خاطر اینکه قصد نداریم مانع تحقیقات قضایی در این پرونده شویم، از انتشار آن خودداری می کنیم، اما امیدواریم مسؤولان قضایی با تشکیل یک اکیپ ویژه قضایی، پرونده را بررسی و نتایج آن را در اختیار رسانه ها قرار دهند تا جامعه به امنیت خاطر برسد و باور کند که در نظام جمهوری اسلامی در پیشگاه قانون هیچ تفاوتی بین مسؤول و غیر مسؤول و فقیر و غنی وجود ندارد.

سرقت مسلحانه از بانک صادرات نازی‌آباد

گروه حوادث: سه سارق مسلح با حمله به بانکی در جنوب تهران و تیراندازی پراکنده به دستبرد سه میلیون تومانی دست زدند. ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه ظهر دیروز - شنبه هفتم خردادماه - وقتی کارمندان بانک صادرات شعبه اکبر مشهدی در چهارراه دخانیات بازار دوم نازی آباد در حال پاسخگویی به مشتریان بودند، سه پسر جوان سوار بر موتوسیکلت در برابر ساختمان بانک توقف کردند. دوتن از پسران وارد ساختمان بانک شدند و به سمت کارمندان حمله بردند، آنان در حالی که تیراندازی هوایی می کردند، سه میلیون تومان پول به سرقت بردند و با سوار شدن بر موتوسیکلت پا به فرار گذاشتند. وقتی پلیس وارد ماجرا شد، در نخستین اقدام با توجه به اینکه کارمندان و مشتریان بانک چهره سارقان را دیده بودند، به بازجویی از آنان پرداختند و کسانی را که سارقان مسلح را می توانستند چهره نگاری کنند، در اختیار معاونت فنی و رایانه های پلیس قرار دادند.

ماجرای این جنایت ۱۳ روز زیر کانال آب پنهان مانده بود

نقشه خونین یک عروس با خواستگار خواهرشوهرش

گروه حوادث: یک عروس که با همدستی خواستگار خواهرشوهرش، دست به قتل شوهرش زده است، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

تحقیقات بازپرسی و پلیس نشان داده است که زن جوان با پسرعموی شوهرش رابطه پنهانی داشته است، اما خود این زن و مرد جوان هرگونه داشتن علاقه به یکدیگر را نمی پذیرند. بنا به این گزارش، از روز ۲۷ مهرماه سال ۸۳ مرد جوانی در موسی آباد ورامین ناپدید شد و با وجود تلاش گسترده پلیس، پیکر بی جان وی تا سیزده روز بعد زیر آب کانالی حوالی خانه شان پنهان ماند.

■ **در دادگاه**

صبح دیروز - شنبه هفتم خردادماه - زن و مرد جنایتکار در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران در برابر ۵ قاضی قرار گرفتند.

مرد جوان که متهم اصلی است، گفت: «من وقتی به خواستگاری دختر عموم رفتم و جواب مثبتی نشنیدم، برای میانجیگری پسرعمویم به خانه شان رفتم، در حال گله کردن نزد عروس عمویم بودم که «سیف الله» داخل خانه شد و با من دعوا کرد، جاقویی همیشه همراهم بود، فقط یک ضربه به او زدم، اصلاً قصد قتل نداشتم، عصبانی بودم و نمی دانستم چه می کنم! پس از اینکه این مرد تأکید کرد هیچ رابطه پنهانی ای با همسر مقتول نداشت و روزهای نخست دروغ گفته است، «ملکه» در جایگاه دفاع قرار گرفت و در حالی که با شنیدن صدای دختر خردسالش به گریه می افتاد، گفت: «من دخالتی در قتل نداشتم، این مرد - اشاره به متهم - تهدیدم کرده بود به کسی نگویم شوهرم را کشته است.»

مرگ دلخراش سه دانشجو دانشگاه امیرکبیر

گروه حوادث: سه دانشجوی دانشگاه امیرکبیر تهران در سانحه تصادف دلخراش در شهرستان محمودآباد جان سپردند. این حادثه ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه روز شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری به هنگام بازگشت این سه جوان دانشجواز شمال کشور به وقوع پیوست. برادر یکی از قربانیان در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: از مدت ها قبل با درخواست دانشکده مکانیک برای برگزاری یک اردوی سیاحتی در شمال، برادرم مهرداد علی خاصی به همراه دو تن از دوستانش به نام های پیام غلامپور و سام صفایی پس از گرفتن مجوز و بودجه از دانشگاه تصمیم می گیرند تا برای پیدا کردن مکانی مناسب جهت برپایی اردو به شمال کشور بروند. وی ادامه داد: برادرم و دوستانش که عضو شورای صنفی دانشکده بودند صبح روز شنبه سوار بر خودروی پژو که متعلق به پیام بود به شمال رفتند و منطقه‌ای را در رضوانشهر برای برپایی اردو پیدا کردند و به خاطر آن که به کلاس های درس برسند بلافاصله به طرف تهران حرکت کردند. در راه بازگشت در حالی که هوا تاریک شده بود آنها در بلوار ورودی به شهرستان محمودآباد با یک دستگاه خودرو پیکان برخورد کرده و به طرف کنار جاده منحرف می شوند و با شدت به یک دستگاه پیل مکانیکی که از ۳ روز قبل در کنار جاده متوقف شده بود و هیچگونه علائم هشداردهنده‌ای در اطراف آن وجود نداشت به شدت برخورد کردند. وی ادامه داد: پس از این برخورد خودروی پیکان قرار کرد و برادرم در حالی که برای چند ساعتی زنده بود به همراه دو دوستش به بیمارستان محمودآباد منتقل شد ند ولی به خاطر شدت جراحات هر سه جان باختند.